

External Existence of the Book "Isbat al-Raj'a" by Fazl ibn Shazan Neyshabouri with Emphasis on Quoting the Narrations of His book in Later Works¹

Mahdi Farrokhi^{*}

Majid Maaref^{**} Abd al-Hadi Feghhizadeh^{***}

(Received: 05/11/2020; Accepted: 20/12/2020)

Abstract

Among the works related to the Mahdism of Fazl ibn Shazan, in addition to references to some of them in *fehrest* books (catalogues including all books), we have also received narrations in works after him. Examining the narrations in works such as al-Irshad by Sheikh Mofid, al-Ghaybah by Sheikh Tusi, Sorur Ahl al-Iman by Sayyid Nili, Kefayat al-Mohtadi by Mirlohi and al-Mohtazar by Ibn Helli, from a total of five books about Imam Mahdi (AS) viz Isbat al-Raja, al-Raja, Hazw al-Nal be al-Nal and al-Ghaem wa al-Malahem, only Isbat al-Raja found historical identity and its authenticity and validity were proved. Concerning the book of al-Ghaem, we have found brief information only with the reference of Ibn al-Helli in the book of al-Mohtazar, and there is no trace of the other three books i.e. al-Raja, Hazw al-Nal be al-Nal and al-Malahem. His books al-Ghaybah le al-Hojjah and al-Hojjah men Ibta al-Ghaem are also not original, but some later scholars, such as Mohaddeth Nouri, have attributed them to Fazl. Among the books that have quoted the narrations of Fazl, some, such as Elam al-Wara by Tabarsi and al-Arbain by Khatunabadi, have also quoted the narrations of Isbat al-Raja through the two main sources of his narrations (i.e. al-Ghaybah and Kefayat al-Mohtadi) without mentioning the intermediary source. Examining the narrations related to the Mahdism of Fazl ibn Shazan in the works of predecessors, we show that from among the five books attributed to him in *fehrest* books only Isbat al-Raja has an external existence.

Keywords: Fazl ibn Shazan Neyshabouri, Isbat al-Raja, Al-Irshad, Al-Ghaybah, Sorur Ahl al-Iman, Kefayat al-Mohtadi, Al-Mohtazar.

1. This article is taken from: Mahdi Farrokhi, "The Hadith Position of Fazl ibn Shazan Neyshabouri and the Analysis of His Works about Imam Mahdi (AS)", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Majid Maaref, Faculty of Principles of Religion, Tehran, Iran.

* PhD Student in Quran and Hadith, Faculty of Principles of Religion, Tehran, Iran (Corresponding Author), farokhi@osool.ac.ir.

** Professor, Department of Quran and Hadith, University of Tehran, Tehran, Iran, maaref@ut.ac.ir.

*** Professor, Department of Quran and Hadith, University of Tehran, Tehran, Iran, faghhizad@ut.ac.ir.

موجودیت خارجی کتاب اثبات الرجعة فضل بن شاذان نیشابوری با تأکید بر نقل روایات کتابش در آثار متأخر از او^۱

مهدی فرخی*

مجید معارف** عبدالهادی فقهی زاده***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰]

چکیده

از آثار مهدوی فضل بن شاذان، به جز اشاراتی که کتب فهراس به عنوان آنها داشته‌اند، روایاتی نیز در آثار متأخر از او به دست ما رسیده است. با بررسی این منقولات در آثاری همچون الارشاد شیخ مفید، الغیبة شیخ طوسی، سرور اهل الایمان سید نیلی، کفایة المهندی میرلوحی و المختصر ابن حلی، از مجموع پنج کتاب اثبات الرجعة، الرجعة، حذو النعل بالنعل، القائم و الملاحم فضل با موضوع امام مهدی (علیه السلام) فقط کتاب اثبات الرجعة هویت تاریخی می‌یابد و اصالت و اعتبارش اثبات می‌شود. از کتاب القائم نیز فقط با اشاره ابن حلی در کتاب المختصر اطلاع مختصری یافته‌ایم و از سه کتاب الرجعة، حذو النعل بالنعل و الملاحم اثری در دست نیست. کتاب الغیبة للحجة و کتاب الحجة من ابطاء القائم او نیز اصالتی ندارد، بلکه برخی از علمای متأخر، همچون محدث نوری، به فضل نسبت داده‌اند. در بین کتبی که روایات فضل را نقل کرده‌اند، برخی همچون طبرسی در اعلام الوری و خاتون‌آبادی در الاربعمین نیز بدون اشاره به منبع واسطه، روایات اثبات الرجعة را به واسطه دو منبع اصلی نقل روایات او (الغیبة و کفایة المهندی) انتقال داده‌اند. با بررسی روایات مهدوی منقول از فضل بن شاذان در آثار متقدمان، از بین پنج کتاب منسوب به وی در فهراس، نشان می‌دهیم که فقط اثبات الرجعة موجودیت خارجی دارد.

کلیدواژه‌ها: فضل بن شاذان نیشابوری، اثبات الرجعة، الارشاد، الغیبة، سرور اهل الایمان، کفایة المهندی، المختصر

۱. برگرفته از: مهدی فرخی، جایگاه حدیثی فضل بن شاذان نیشابوری و واکاوی آثار او درباره امام مهدی (علیه السلام) رساله

دکتری، استاد راهنما: مجید معارف، دانشکده اصول دین، تهران، ایران، ۱۳۹۹.

* دانشجوی دکتری قرآن و حدیث، دانشکده اصول دین، تهران، ایران (نویسنده مسئول) farokhi@osool.ac.ir

** استاد گروه قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران maaref@ut.ac.ir

*** استاد گروه قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران faghizad@ut.ac.ir

مقدمه

در میان موضوعات مختلفی که علمای پیشین بدانها پرداخته‌اند موضوع غیبت امام عصر (علیه السلام) از جایگاه خاصی برخوردار بوده تا جایی که طبق نقل آقابزرگ تهرانی در *الذریعة*، فقها، متکلمان و محدثان بزرگ شیعه، طی قرون متمادی افزون بر پنجاه کتاب و رساله با عنوان *الغیبة نگاشته‌اند* (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۸۳/۱۶).

از جمله بزرگان صاحب تألیف در این حوزه فضل بن شاذان نیشابوری است. وی از اعلام جلیل‌القدر شیعه در اواخر قرن دوم و نیمه اول قرن سوم هجری است (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۶۱). نجاشی او را راوی از امام جواد و نیز به گفته برخی راوی از امام رضا (علیه السلام) می‌داند و درباره او می‌گوید: «از فقها و متکلمین شیعه بوده و قدر و منزلت او بالاتر از آن است که نیاز به توصیف داشته باشد» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۶). فضل از دانشمندان کثیرالتألیف شیعه است که در حوزه‌های مختلف صاحب اثر بوده و کشی او را صاحب ۱۸۰ تألیف می‌داند (کشی، ۱۴۰۹: ۵۴۴).

تعداد چشمگیری از تألیفات فضل بن شاذان در موضوع امام مهدی (علیه السلام) است، اما اصل این آثار به دست ما نرسیده و فقط عناوینی از آنها را در کتب فهرس سراغ داریم. چنان‌که با اشارات بزرگانی چون نجاشی در رجالش و شیخ طوسی در فهرستش، از پنج عنوان کتاب *اثبات الرجعة، الرجعة، الملاحم، حذو النعل بالنعل و القائم فضل بن شاذان* در موضوع امام مهدی (علیه السلام) اطلاع یافته‌ایم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۳۶۱).

تألیفات مهدوی فضل بن شاذان با توجه به وفات او در سال ۲۶۰ ه.ق. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۴۲۷/۱)، از جهت اصالت بخشی به روایات ولادت، غیبت و ظهور آن حضرت، اهمیت ویژه دارد. با عنایت به این مسئله، برخی از علمای متأخر، همچون میرلوحی در *کفایة المهتدی* و خاتون‌آبادی در *الاربعین* و نیز برخی از معاصران در صدد احیای میراث مکتوب فضل در موضوع امام مهدی (علیه السلام) برآمده‌اند، چنان‌که غلام‌حسن محرمی روایات منقول از فضل بن شاذان در آثار متقدمان و متأخران را در مجموعه‌ای با روایت تحت عنوان *اثبات الرجعة* گرد آورده است.^۱ یا مختصر *اثبات الرجعة* که شامل ۲۰ روایت از فضل بوده و سید باسم موسوی آن را از نسخه حر عاملی در شماره ۱۵ مجله *تراثنا* منتشر کرده^۲ و نیز چهل حدیثی که علی‌اکبر مهدی‌پور تدوین کرده و مبنای کار خود را روایات مختصر *اثبات الرجعة* و *کفایة المهتدی* قرار داده است.^۳

بیان مسئله

با توجه به تعدد عناوین کتاب‌های مهدوی برای فضل بن شاذان در کتب فهارس، این پرسش مطرح است که: آیا این تعداد عناوین، هر یک کتابی مستقل بوده یا فضل بن شاذان یک کتاب در موضوع امام مهدی علیه السلام نگاشته و نام‌های متعددی بر آن اطلاق شده است؟ چنان‌که شیخ طوسی در *الفهرست* فقط از کتاب *اثبات الرجعة فضل* در موضوع امام مهدی علیه السلام نام می‌برد (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۶۱، ش ۵۶۴)، حال آنکه نجاشی در *رجال* ضمن تصریح به نام کتاب *اثبات الرجعة*، چهار کتاب دیگر در موضوع امام مهدی علیه السلام را نیز برای او برمی‌شمرد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۶، ش ۸۴۰). هویت تاریخی این کتب، خصوصاً برای متأخران شیعه، مجهول بوده است. از این‌رو گاه برخی، روایات مهدوی او را تحت عنوان *الغیبة*، *الرجعة*، *اثبات الرجعة* یا *القائم* عرضه کرده‌اند و هر یک با مفروضات خود و با استفاده از روایات به‌دست آمده از فضل، به یکی از این کتاب‌ها هویت بخشیده‌اند (نوری، ۱۳۸۴: ۳۸/۱؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۷۸/۱۶). لذا این مسئله که کدام یک از آثار مهدوی فضل بن شاذان، وجود تاریخی داشته و هویت آنها در آثار متأخر از فضل اثبات‌پذیر است، نیاز به بررسی دارد. آگاهی از ماهیت این آثار و آگاهی از کم و کیف آنها، در رجوع به کتاب‌هایی است که از مواریث فضل بن شاذان با موضوع امام مهدی علیه السلام بهره برده و این مطلب را صراحتاً در تألیفاتشان گفته‌اند، چراکه اصل مواریث او به دست ما نرسیده و در عصر ما وجود خارجی ندارد. بر این مبنا، مکتوباتی از قرن پنجم تا سیزدهم که منقولات فضل بن شاذان در موضوع امام مهدی علیه السلام را انتقال داده‌اند، واکاوی شده تا هویت تاریخی این مواریث برای ما آشکار شود.

۱. *اثبات الرجعة فضل بن شاذان به مثابه یکی از منابع شیخ مفید در الارشاد (قرن پنجم)*
 اولین اثر از آثار قدما که روایاتی از فضل بن شاذان با موضوع امام مهدی علیه السلام در آن نقل شده، کتاب *الارشاد* است. شیخ مفید ۱۷ روایت از فضل بن شاذان را در کتاب *الارشاد* نقل کرده است (نک: مفید، ۱۴۱۳: ۳۷۰/۲-۳۷۹). اگرچه در اولین روایتی که وی از فضل آورده، طریقهش را به کتاب یا روایات فضل بیان کرده، اما نام کتاب منبع روایات او از فضل، بیان نشده است. از آنجا که فضل بن شاذان بیش از یک کتاب در موضوع امام مهدی علیه السلام نگاشته، نسبت دادن این روایات به کتاب مشخصی از او ممکن نیست.

لذا در ادامه، ابتدا، نقل شیخ مفید از یک اثر مکتوب را در ضمن قرینه اول و دوم، محرز دانسته‌ایم و سپس در قرینه سوم، این میراث مکتوب را *اثبات الرجعة فضل بن شاذان* قلمداد کرده‌ایم تا به *اثبات الرجعة فضل* در قرن پنجم وجود تاریخی داده باشیم.

۱.۱. اسناد شیخ مفید در اولین روایت منقول از فضل بن شاذان

شیخ مفید اولین روایت فضل بن شاذان را که نشان‌دهنده طریق شیخ به روایات فضل نیز هست با چهار واسطه از او نقل کرده است: ۱. ابوهلال أبوالحسن علی بن بلال المهلبی؛ ۲. محمد بن جعفر المؤدب؛ ۳. أحمد بن إدريس؛ ۴. علی بن محمد بن قتیبة (همان: ۳۷۰/۲). با دقت در عناوین کتبی که نجاشی برای علی بن بلال و محمد بن جعفر المؤدب قمی، معروف به ابن‌بطه، برشمرده، روشن می‌شود که در میان این عناوین، کتابی مرتبط با موضوع امام مهدی (علیه السلام) در شمار تألیفات آنها ذکر نشده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۲، ۲۶۵) تا شیخ مفید این روایت را از کتاب علی بن بلال یا ابن‌بطه نقل کرده باشد. لذا این روایت از منقولات شفاهی یا نقل‌های پراکنده علی بن بلال و ابن‌بطه از دیگر واسطه‌های سلسله سند است.

واسطه سوم و چهارم طریق شیخ مفید به فضل بن شاذان، حلقه‌های شناخته‌شده‌ای در نقل آثار فضل است، چنان‌که شیخ طوسی تعدادی از روایات فضل را از طریق این دو دانشمند در *الغیبة* نقل کرده است. ابن‌قتیبہ نیشابوری یکی از پرکارترین شاگردان فضل بن شاذان است که بسیاری از آثار او را نشر داده و احمد بن ادريس نیز بسیاری از روایات فضل بن شاذان را از ابن‌قتیبہ اخذ کرده است (نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۴۱، ۱۶۰، ۱۶۱). با توجه به این نکات می‌توان احتمال داد که زنجیره «اسماعیل بن الصباح قال سمعت شیخا من أصحابنا یذکر - عن سیف بن عمیرة» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷۰/۲)، سندی است که در کتاب فضل بن شاذان برای روایت اول منقول از او در *الارشاد* ثبت شده است. این روایت را ابن‌قتیبہ از کتاب فضل برای احمد بن ادريس و او برای مؤدب و او برای علی بن بلال نقل کرده است، یا اینکه می‌توانیم بگوییم شیخ مفید کتاب فضل را در اختیار داشته و سندی که تا قبل از فضل برای روایت آورده، سند روایت نیست، بلکه طریق او به کتاب فضل است. با این فرض احتمال نقل شیخ از کتاب فضل محرز می‌گردد، یعنی شیخ مفید به کتاب فضل از طریقی که معرفی کرده دست یافته، اما اینکه

این کتاب کدام یک از مکتوبات مهدوی فضل بن شاذان است از اسناد روایت یا طریق او به کتاب حاصل نمی‌شود.

۱. ۲. نقل مستقیم و بدون واسطه از فضل بن شاذان

شیخ مفید در نقل روایات فضل بن شاذان رویه واحدی را دنبال نکرده است، چنان‌که در روایت اول، طریقهش را به طور کامل بیان کرده اما در برخی روایات واسطه‌های بین خود و فضل را نیز نقل نکرده و روایت را مرفوع آورده است. در برخی دیگر از روایات نیز، مستقیم و بدون واسطه، روایت را از فضل نقل کرده است. اصولاً نقل مستقیم و بی‌واسطه از شیخی که در طبقه مؤلف قرار ندارد، می‌تواند نشان‌دهنده نقل مؤلف از کتاب شیخ باشد. درباره شیخ مفید نیز این قاعده می‌تواند مطرح باشد که در روایت اول، وی طریق خود را به کتاب فضل معرفی کرده است اما در روایات بعدی چون کتاب در اختیارش بوده، نیازی به تکرار طریق نبوده و او روایت را مستقیماً از کتاب نقل کرده است. اگرچه با این قرینه نقل شیخ مفید از اثری مکتوب محتمل است، اما چون شیخ در هیچ یک از روایاتش به نام کتابی از فضل که استفاده کرده اشاره‌ای نکرده است، با این قرینه نیز نمی‌توانیم به نام آن کتاب پی ببریم.

۱. ۳. همسانی اسناد برخی از روایات منقول از فضل در الارشاد با روایات

منقول از او در الغیبه طوسی

با توجه به اشاره نکردن شیخ مفید به نام منبعی که در نقل آثار فضل استفاده کرده، تنها راه تشخیص منبع این منقولات، مقایسه آنها با آثاری است که اثر مشخصی از فضل را در نقل آثارشان استفاده کرده‌اند. شیخ طوسی از جمله مؤلفانی است که به یک منبع مشخص از آثار فضل بن شاذان در موضوع امام مهدی علیه السلام طریق داشته و روایات فضل در *الغیبه* را از *اثبات الرجعة* نقل کرده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۶۱). با مقایسه متنی و سندی منقولات فضل بن شاذان در *الارشاد* با *الغیبه*، ۱۳ روایت از ۱۷ روایت فضل بن شاذان در *الارشاد* با اندک تغییری در *الغیبه* از فضل بن شاذان نقل شده است. لذا با همسانی سندی و متنی این تعداد روایت در دو منبع، احتمال نقل منقولات فضل در *الارشاد* از *اثبات الرجعة* بعید نیست. فقط ۴ روایت از ۱۷ روایت در *الارشاد* مؤیدی در *الغیبه*

نداشت که البته این مطلب توجیه‌پذیر است، چراکه قطعاً مبنای شیخ طوسی بر این نبوده است که تمام روایات کتاب *اثبات الرجعة* را در *الغیبة* نقل کند. با این مبنا چه بسا بتوانیم چهار روایت دیگر را نیز در زمره منقولات فضل در *اثبات الرجعة* قلمداد کنیم، هرچند شیخ طوسی آنها را در کتابش نقل نکرده باشد.

۲. اثبات الرجعة فضل بن شاذان به مثابه یکی از منابع کتاب *الغیبة* شیخ طوسی

در این بخش، اسناد و متون روایات نقل شده از فضل بن شاذان در *الغیبة* شیخ طوسی، متعلق به قرن پنجم، بررسی می‌شود و با طرح پنج قرینه، امکان نقل شیخ طوسی از کتاب *اثبات الرجعة* بیان می‌شود. در نهایت هویت تاریخی کتاب *اثبات الرجعة* به واسطه منبعی دیگر در قرن پنجم محرز خواهد شد.

۲. ۱. تصریح شیخ طوسی در *الفهرست* به دو طریق نقل، در نقل از کتب و آثار

فضل بن شاذان

یکی از امور که احتمال نقل شیخ طوسی از مکتوبات فضل بن شاذان را قوت می‌دهد این است که شیخ طوسی در *الفهرست*، دو طریق را به کتب و روایات فضل بیان می‌دارد (همو، ۱۴۱۱: ۳۶۳). این یعنی آثار فضل به شکل وجاده‌ای در اختیار شیخ قرار نداشته و نیز منقولات فضل بن شاذان اخذ از منقولات شفاهی نبوده، بلکه شیخ به آثار مکتوب فضل با طریقی مشخص دسترسی داشته و بیان این طریق، به اخذ روایات فضل در *الغیبة* از اثری مکتوب منتج می‌شود. البته چون شیخ طوسی کتاب فضل را در اختیار داشته است، طریق معرفی شده خود در *الفهرست* را، در ابتدای روایات منقول از فضل نیاورده و سند روایت را از او آغاز کرده و بعد از فضل سند مکتوب در کتاب او را آورده است.

۲. ۲. نقل بی‌واسطه از فضل بن شاذان

شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ ه.ق. است و در طبقه فضل قرار نداشته است. پس نمی‌تواند از فضل متوفای ۲۶۰ ه.ق. که دو‌یست سال بین آنها فاصله است، چیزی شنیده باشد. از این جهت احتمال سماع شیخ طوسی از فضل بن شاذان منتفی است؛ اما شیخ

۶۸ روایت از ۸۸ روایت منقول از فضل را بی‌واسطه از او نقل کرده (نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷۱، ۴۷۰، ۴۲۵، ۴۲۳، ۴۲۲) و چون اخذ مستقیم روایت از مشایخ باواسطه را می‌توان قرینه‌ای بر اخذ از کتاب تلقی کرد، به احتمال قوی نقل مستقیم شیخ طوسی از فضل بن شاذان، نقل از اثر مکتوبی است. همچنین، شیخ طوسی ۱۹ روایت دیگر فضل را با طریقی که به کتب احمد بن ادريس داشته، از کتاب *نوادِر* او نقل کرده (همو، ۱۴۲۰: ۶۴) و ما درباره انتساب این روایات به *اثبات الرجعة* برهانی نداریم، زیرا اگر این روایات در *اثبات الرجعة* نقل شده بود ضرورتی نبود که شیخ طوسی آنها را از کتاب *نوادِر* احمد بن ادريس نقل کند.

۲.۳. تعلیق سند به اضمار در برخی روایات پی‌درپی

یکی از قرائنی که می‌توان با استناد به آن نقل از یک اثر مکتوب را محتمل دانست، تعلیق سند به اضمار در روایات پی‌درپی است.^۴ شیخ طوسی از ۶۸ روایتی که بی‌واسطه از فضل بن شاذان نقل کرده، حدود نیمی از روایات را (۳۸ روایت) مضمّر (با ضمیر عنه) آورده است. مثلاً یک روایت را با سند «الفضل بن شاذان» شروع کرده، سپس روایت دیگری را به دنبال آن با سند «الفضل» در ابتدای آن آورده و بعد از این روایت، در ۶ روایت با حذف نام فضل، تعبیر «عنه» را در ابتدای سند ذکر کرده است (همو، ۱۴۱۱: ۴۴۴). در فصل آخر کتاب این مسئله نمود بارزتری می‌یابد، چنان‌که شیخ طوسی بعد از نقل روایتی بدون واسطه از فضل، با تصریح به نام «الفضل بن شاذان»، ۱۴ روایت پی‌درپی بعد از آن را با حذف نام فضل، مضمّر می‌آورد (همان: ۴۷۱-۴۷۷). این شیوه نقل روایات پی‌درپی به صورت مضمّر، از یک راوی مشخص صاحب کتاب، احتمال نقل تمامی این روایات را از یک بخش مشخص اثر مکتوب آن مؤلف محتمل‌تر می‌کند.

۲.۴. برشمردن کتابی تحت عنوان *اثبات الرجعة* در زمره آثار فضل بن شاذان

در الفهرست شیخ طوسی

طبق آنچه شیخ طوسی از آثار فضل در *الفهرست* خود آورده، فقط از کتاب *اثبات الرجعة* در موضوع امام مهدی (علیه السلام) مطلع بوده (همو، ۱۴۲۰: ۳۶۱)، لذا امکان نقل این تعداد روایت از سایر کتب مهدوی فضل بن شاذان ممتنع است. البته با توجه به شخصیت

کلامی فضل، برخی کتاب *اثبات الرجعة* را کتابی کلامی و نه حدیثی در آثار فضل توصیف کرده‌اند و کتابی را که شیخ طوسی در *الغیبة* از آن بهره برده است *الرجعة* می‌دانند (نک: انصاری، ۱۳۸۶)، حال آنکه: ۱. شیخ طوسی در طریقی که به کتب و آثار فضل بیان داشته نامی از *الرجعة* نبرده، و ۲. در بین کتاب‌هایی هم که ایشان از فضل برشمرده فقط همین کتاب در موضوع امام مهدی (علیه السلام) است. شاید از این جهت است که مؤلف *هدیة العارفین* این کتاب فضل را *اثبات الرجعة فی الحدیث* نامیده است (بغدادی، ۱۹۵۱: ۸۱۷/۱)؛ ۳. اگر محتوای این کتاب کلامی بود باید آثاری از تعبیر آن را در کتاب شیخ طوسی می‌دیدیم، حال آنکه تمام آنچه شیخ طوسی از کتاب فضل نقل می‌کند روایت است، در صورتی که روش شیخ طوسی در تألیف کتابش، عقلی و نقلی است و این شیوه تألیف می‌طلبد که به حداقلی از مباحث کلامی فضل در کتابش اشاره کند.

۲.۵. تصریح میرلوحی به استفاده مستقیم شیخ طوسی از *اثبات الرجعة*

در ادامه مقاله قرائتی خواهد آمد دال بر اینکه میرلوحی (متوفای ۱۰۸۳ ه.ق.) کتاب *اثبات الرجعة* را در اختیار داشته و روایات فضل را بدون واسطه از آن نقل کرده است. یکی از قرائینی که با تکیه بر آن می‌توان اذعان داشت که شیخ طوسی منقولات خود از فضل را از *اثبات الرجعة* نقل کرده، تصریح میرلوحی بر این مطلب است، چنان‌که آورده است:

و شیخ ابوجعفر طوسی، رضوان الله علیه، در کتاب *الغیبة* می‌فرماید: «اما وقت خروجه فلیس بمعلوم لنا علی التفضیل، بل هو مغیب عنا الی ان یاذن الله بالفرج»؛ و چند حدیث در این باب نقل کرده که در سند آن احادیث ابن‌شاذان، رحمة الله علیه، مذکور است و آن احادیث با دیگر حدیث‌ها در این معنا در کتاب *اثبات الرجعة* به نظر رسیده، از آن جمله است اینکه شیخ ابوجعفر می‌فرماید: «اخبرنا الحسین بن عبید الله عن ابی جعفر محمد بن سفیان البزوفری عن علی بن محمد عن الفضل بن شاذان ...» (میرلوحی، ۱۴۲۶: ۴۴۴).

۳. مصادر روایات فضل بن شاذان در *اعلام الوری طبرسی*

از جمله منابع دیگری که روایات مهدوی فضل بن شاذان را نقل کرده‌اند *اعلام الوری* اثر طبرسی در قرن ششم است. طبرسی در باب چهارم کتاب *اعلام الوری* علائم ظهور

امام مهدی علیه السلام را مطرح می‌کند و طریق و سیرت آن حضرت در زمان قیام ایشان را شرح می‌دهد و در فصل اول و دوم این بخش از کتابش، جمعاً ۲۴ روایت ذکر می‌کند. در روایات ابتدایی این باب، طبرسی سه روایت را با تصریح به نام فضل بن شاذان، بدون واسطه از او نقل کرده، اما در هیچ یک از روایات منقول از فضل، کیفیت تحمل حدیث او را بیان نکرده است (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۵۵). اگرچه نقل مستقیم مؤلف از راوی‌ای که در طبقه او قرار ندارد می‌تواند نشانه دسترسی مؤلف به کتاب آن راوی باشد اما با دقت در مجموع روایاتی که طبرسی با ذکر نام فضل (سه روایت) (همان) و نیز روایاتی که بدون ذکر نام وی نقل کرده ولی با قرینه‌هایی در منابع دیگر در زمره منقولات فضل تلقی می‌شود (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷۹/۲)^۵ می‌توان این نتیجه را دریافت که روایات منقول از فضل در کتاب *اعلام الوری* با توجه به ساختار نقل و نیز کیفیت و کمیت نقل روایات، اخذ مستقیم از کتاب فضل نبوده بلکه اخذ از *الارشاد* است، چنان‌که شیخ مفید در فصل متناظر با این فصل، ۱۷ روایت را نقل کرده و از این تعداد روایت، ۱۵ روایت *الارشاد* عیناً در *اعلام الوری* آمده است. نقل تقریباً تمامی روایات *الارشاد* در دو فصل متناظر *اعلام الوری* و نیز همسانی در ترتیب نقل برخی از این روایات در دو منبع (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷۳/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۵۷) و نقل منقولات فضل بن شاذان در فصولی با عناوین همسان در دو کتاب می‌تواند نشانه اخذ مستقیم طبرسی از کتاب شیخ مفید باشد (مفید، ۱۴۱۳: ۳۶۸/۲، ۳۷۸؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۵۵، ۴۵۹). از آنجا که در جای خود نیز ثابت شد که شیخ مفید روایاتش را از *اثبات الرجعة فضل* اخذ کرده است، لذا کتاب شیخ مفید منبعی واسطه‌ای برای نقل روایات *اثبات الرجعة در اعلام الوری* تلقی می‌شود.

۴. *اثبات الرجعة* به مثابه منبع روایات فضل بن شاذان در کتاب *سرور اهل الایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان*

کتاب *سرور اهل ایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان* علیه السلام که در موضوع علائم ظهور امام عصر علیه السلام تدوین شده، در واقع رساله‌ای است کم‌حجم و متعلق به قرن هشتم که ۱۰۶ روایت (مطابق شماره‌گذاری نگارنده) دارد. در کتاب نیلی قرآینی وجود دارد که بر مبنای آن قرآین محرز است که سید علی بن عبدالکریم بهاء‌الدین نیلی نجفی، به یکی از آثار مکتوب فضل بن شاذان در موضوع امام مهدی علیه السلام دسترسی

داشته و روایات خود را با استفاده مستقیم از اثری مکتوب نقل کرده است اما از اشارات کتاب به نام منبعی که سید نیلی استفاده کرده است پی نمی‌بریم، چراکه مؤلف به هنگام نقل روایات فضل، نامی از عنوان کتاب او نمی‌برد و چون هیچ یک از کتاب‌های فضل بن شاذان با موضوع امام مهدی (علیه السلام) به دست ما نرسیده، تنها راه اثبات این مدعا، مقایسه روایات کتاب نیلی با روایات منقول از او، در آثاری است که مطمئنیم این آثار از کتاب‌های مشخص فضل بهره برده‌اند.

دو کتاب الغیبه شیخ طوسی و کفایة المتهتدی میرلوحی با توجه به صراحت مؤلفانشان در استفاده از میراث مکتوب فضل، مهم‌ترین منابع ما در این جایگاه هستند، چراکه مؤلفان این دو کتاب، فقط اثبات الرجعة فضل را در اختیار داشته و روایات او را از این کتاب آورده‌اند (نک: در ادامه). با بررسی روایات سید نیلی در دو کتاب مذکور، می‌توان روایات مشترک از فضل بن شاذان بین سه منبع را، مأخوذ از یک مصدر مشترک، یعنی اثبات الرجعة، دانست و هویت تاریخی اثبات الرجعة را در قرن هشتم دارای اصالت و اعتبار دانست. قراین مدعای ما در ذیل بررسی شده است:

۴. ۱. اذعان سید نیلی به استفاده از کتاب فضل بن شاذان

از جمله عباراتی که سید نیلی به استفاده از کتاب فضل تصریح داشته، در ابتدای روایت دهم کتاب است که مؤلف با عبارت «و فی کتاب العالم الفضل بن شاذان...»، ضمن تصریح به استفاده از کتاب فضل بن شاذان روایتی را از ابن‌همام از احمد بن ادریس از ابن‌قتیبه نیشابوری نقل کرده است (نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۳۷). البته این روایت در هیچ یک از دو منبع الغیبه طوسی و کفایة المتهتدی میرلوحی، که بیشتر روایات مهدوی فضل را نقل کرده‌اند، یافت نشد. مجلسی نیز آن را به نقل از نیلی آورده (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۵/۵۲) و حر عاملی در اثبات الهداة مرفوعاً آن را از فضل نقل کرده است (حر عاملی، ۱۴۲۵: ۲۱۱/۵).

۴. ۲. اذعان سید نیلی به انتخاب روایات سرور اهل ایمان از کتاب فضل بن

شاذان در خاتمه کتاب

قرینه دیگر در این باب، جمله پایانی کتاب «ولیکن هذا آخر ما اخترناه من کتاب الفضل بن شاذان، فبالله المستعان» است (نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۱۱۹) که با ملحوظ قراردادن

این عبارت، برخی از علمای شیعه کتاب *سرور اهل ایمان* را مختصر *الغیبه فضل بن شاذان* قلمداد کرده‌اند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۰۱/۲۰). با این اشاره سید نیلی در پایان کتابش، چنین به نظر می‌رسد که این کتاب برگزیده یکی از مکتوبات فضل بن شاذان با موضوع امام مهدی (علیه السلام) است، اما این موضوع نیاز به بررسی دارد.^۶

۳.۴. نقل مستقیم از برخی مشایخ حدیثی فضل بن شاذان

قرینه دیگر، نقل مستقیم سید نیلی از مشایخ فضل بن شاذان است. رویه‌ای که نیلی در نقل برخی روایات دنبال کرده است حذف نام فضل بن شاذان از ابتدای سند برخی روایات است. از آنجا که احتمال نقل مستقیم سید نیلی از مشایخ فضل ممکن نیست، نقل مستقیم او از این مشایخ می‌تواند به علت نقل مستقیم او از کتاب فضل بوده باشد که با اسقاط نام فضل از ابتدای روایات، آنها را با عین سند مذکور در کتاب فضل آورده، چنان‌که در خصوص نقل روایات شماره ۱۵، ۳۷ و ۴۱ چنین عمل کرده است (نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۶۱، ۶۲، ۴۰). از بین ۱۰۶ روایتی که سید نیلی در کتابش آورده، در ۲۰ روایت، حلقه پایانی زنجیره روایت را بیان کرده است (روایات شماره ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۰، ۶۱، ۳۲، ۱۸، ۱۹، ۱۵، ۱۶، ۱۳، ۱۲، ۳) (برای نمونه نک: نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۴۲، ۴۴، ۴۷). در این روایات، حسن بن محبوب ناقل چهار روایت، أحمد بن عمرو بن مسلم البجلی ناقل یک روایت، سیف بن عمیره ناقل یک روایت، عبدالله بن جبلة ناقل یک روایت، اسماعیل بن مهران ناقل دو روایت، محمد ابن اسحاق ناقل یک روایت، عمرو بن مسلم البجلی ناقل یک روایت، و عثمان بن عیسی ناقل یک روایت هستند. با بررسی مشایخ و استادان فضل بن شاذان این مطلب مسجل است که حسن بن محبوب، سیف بن عمیره، عبدالله بن جبلة و اسماعیل بن مهران، عمرو بن مسلم البجلی، عثمان بن عیسی در زمره مشایخ حدیثی فضل بن شاذان محسوب می‌شوند و فضل احادیث متعددی را از ایشان تلقی کرده است (نک: بیات مختاری، ۱۳۹۲: ۲۱۲-۲۸۲). با این توجه، اگر احادیث منقول از این روات را نیز در زمره منقولات فضل در کتاب *سرور اهل ایمان* محسوب کنیم بعید نمی‌نماید. در تأیید این مطلب، قرینه دیگری هم هست و آن، نقل پنج روایت از این تعداد در *الغیبه شیخ طوسی* است، چنان‌که شیخ طوسی روایات شماره ۱۵، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۱ را با سند منقول در *سرور اهل ایمان*، از فضل بن شاذان آورده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۲۷، ۴۳۷، ۴۴۶، ۴۵۰، ۴۵۴).

۴.۴. مقایسه روایات مشترک کتاب سرور اهل ایمان با الغیبه شیخ طوسی
با مبنا قراردادن روایاتی که شیخ طوسی از اثبات الرجعة فضل نقل کرده است و مقایسه سندی و متنی روایات کتاب سرور اهل ایمان با روایات فضل در الغیبه، می‌توانیم درباره انتساب آن روایات، اولاً به خود فضل و ثانیاً به منبع مشخصی از کتب فضل (اثبات الرجعة) داوری کنیم. با بررسی روایات کتاب سرور اهل ایمان و مقایسه آن با منقولات فضل بن شاذان در الغیبه شیخ طوسی، ۱۳ درصد اشتراک عینی روایات را می‌بینیم. به عبارت دیگر، ما ۱۴ روایت مشترک از حیث سندی و متنی (روایات شماره ۱۵، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۸، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۶۳، ۹۸، ۱۰۵) بین دو کتاب سرور اهل ایمان با الغیبه ملاحظه می‌کنیم که می‌توانیم آنها را در زمره منقولات سید نیلی از اثبات الرجعة قلمداد کنیم (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۴۷۳ و ۴۷۴؛ نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۱۱۳ و ۱۱۶).

۵. اثبات الرجعة فضل بن شاذان به مثابه یکی از منابع میرلوحی در کفایة المتهدی
در کفایة المتهدی یا اربعین میرلوحی، متعلق به قرن یازدهم، شواهد روشنی وجود دارد که استفاده او از اثبات الرجعة فضل بن شاذان را قطعی می‌کند. در ذیل با استناد به برخی از این قراین، استفاده میرلوحی از اثبات الرجعة فضل بررسی شده و در نهایت وجود تاریخی اثبات الرجعة در قرن یازدهم تأیید می‌شود.

۵. ۱. تصریحات میرلوحی به استفاده مستقیم از اثبات الرجعة فضل بن شاذان
در بیان استفاده احتمالی هر مؤلف از کتابی در تألیفش، هیچ استدلالی یقینی‌تر از تصریح خود مؤلف به نام آن کتاب در منابع و مصادر کتابش نیست. از این‌رو در بیان منابع کفایة المتهدی تصریحات و تلویحات میرلوحی به استفاده از اثبات الرجعة فضل بن شاذان می‌تواند مهم‌ترین استدلال در این موضوع باشد. هرچند میرلوحی طریقهش را به کتاب اثبات الرجعة فضل بیان نکرده و کیفیت اخذ او از این کتاب برای ما روشن نیست اما در جای‌جای کفایه و در هفت موضع به استفاده بی‌واسطه از اثبات الرجعة فضل اشاره دارد (میرلوحی، ۱۴۲۶: ۴۲۹، ۴۴۴، ۵۳۷، ۶۴۵، ۶۵۰، ۶۸۲، ۶۸۴)، چنان‌که در ذیل حدیث ۳۸، در بیان علائم آخرالزمان به نقل روایت مطولی از اثبات الرجعة فضل اشاره می‌کند:

و حدیثی طویل‌الذیل ابن‌شاذان، علیه الرحمة والغفران، در ذکر علامات آخرالزمان در کتاب *اثبات الرجعة* از حضرت ابی‌عبدالله، علیه صلوات الله، نقل نموده و آن حدیث را بی‌زیاده و نقصان صاحب کافی در روضة آن کتاب روایت کرده (همان: ۶۴۵).

۵. ۲. معرفی بابی از ابواب کتاب *اثبات الرجعة* در *کفایة المهدی*

یکی دیگر از قراین این است که حتی میرلوحی به یکی از ابواب *اثبات الرجعة*، یعنی «باب شدة النهی عن التوقیت» اشاره کرده است، چنان‌که در بازسازی *اثبات الرجعة* تنها منبعی که با استناد به آن، به طور قطع می‌توانیم یکی از عناوین باب کتاب فضل بن شاذان را بیان کنیم همین تصریح میرلوحی به عنوان آن باب است و این اشاره در هیچ منبع دیگری از منابع حدیثی شیعه، که روایات فضل را نقل کرده‌اند، مطرح نیست تا بگوییم میرلوحی به آن منابع تمسک جسته است (همان: ۴۴۴).

۵. ۳. ادبیات میرلوحی در بیان روایات فضل بن شاذان

چگونگی مواجهه میرلوحی با روایاتی که از فضل نقل می‌کند و ادبیاتی که در این زمینه به کار می‌برد به گونه‌ای است که اشراف وی بر مجموعه‌ای منسجم از روایات در باب‌های مشخص یک کتاب را نشان می‌دهد. این مطلب چنان است که به ذهن متبادر می‌شود که میرلوحی با احاطه‌ای که بر کتاب فضل و روایات منقول در باب‌های آن دارد توصیف‌های خود را از کتاب انشاء می‌کند. مثلاً میرلوحی بعد از نقل روایتی ذیل حدیث ۳۹ می‌گوید: «و ابن‌شاذان، علیه الرحمة والغفران، این حدیث را از حسن بن محبوب، از عبدالله بن سنان، از حضرت امام جعفر (علیه السلام) روایت کرده با چند حدیث دیگر که همه افاده این معنا می‌کنند» (همان: ۶۷۳).

اشارت دیگر در *کفایة* میرلوحی این مطلب است که وی، ذیل حدیث چهلم، درباره مدت سلطنت، محل حکومت و زمان رحلت امام مهدی (علیه السلام) آورده است: «فضل بن شاذان، علیه رحمة الله الملك المنان، هم در باب مُلک و سلطنت حضرت صاحب‌الزمان، صلوات الله علیه، روایت کرده و بعد از آن می‌فرماید: هذا حدیث ماوَل؛ و شیخ طوسی آن حدیث را از او در آخر کتاب *الغیبة* نقل کرده» (همان: ۶۸۲).

شیخ طوسی که این روایت را در *الغیبة* نقل کرده، بخش پایانی بعد از حدیث را،

که جمله خود فضل و داوری وی درباره کیفیت حدیث است، نقل نکرده است. لذا اگر میرلوحی این روایت را از الغیبة طوسی نقل می‌کرد نمی‌توانست به این عبارت فضل، یعنی «هذا حدیث ماوّل» اطلاع پیدا کند، چراکه در الغیبة طوسی این عبارت پایانی نقل نشده است. هرچند می‌توان این احتمال را نیز مد نظر قرار داد که عبارت مذکور در نسخه میرلوحی وجود داشته و در نسخه‌ای که در اختیار شیخ طوسی قرار داشته، حذف شده باشد.

۵. ۴. کمیت و کیفیت نقل میرلوحی از فضل بن شاذان

منابعی که میرلوحی در تألیف اربعینش از آنها بهره برده است در زمره منابع معتبر و دست اول شیعه در موضوع امام مهدی علیه السلام است. برخی از این منابع تا عصر ما موجود است، از جمله: کمال الدین و تمام النعمة، الکافی، الغیبة و کشف الغمة. به برخی دیگر از منابع او فقط در فهرس اشاره شده و به دست ما نرسیده است که الغیبة حسن بن حمزة علوی طبری و الفرج الکبیر فی الغیبة محمد بن هبة الله بن جعفر وراق طرابلسی از آن جمله است. به رغم اهمیت این کتب اما میزان نقل از آنها در روایات اصلی کفایة المتهتدی، محدود به کمال الدین است، چنان‌که میرلوحی از ۴۰ حدیث اصلی کفایة المتهتدی، فقط ۱۳ روایت را از کمال الدین نقل کرده و ۲۵ روایت را از فضل بن شاذان آورده است. میرلوحی علاوه بر ۲۵ روایتی که به عنوان احادیث اصلی اربعینش از فضل نقل کرده، ۳۸ روایت دیگر را ذیل احادیث اصلی از فضل آورده است (در مجموع ۶۳ روایت؛ نک.: میرلوحی، ۱۴۲۶: ۶۴۷-۶۸۰).

نقل این تعداد روایت از فضل نشان از جایگاه فضل بن شاذان در نزد میرلوحی است، چنان‌که در روایت اول تعابیر «الشیخ الکامل العادل العابد الزاهد المتکلم الخبیر الفقیه التحریر النبیل الجلیل ابو محمد الفضل بن شاذان بن الخلیل - برد الله مضجعه و جعل فی الفردوس الی الائمة الطاهرین مرجعه-» را درباره او به کار برده (میرلوحی، ۱۴۲۶: ۴۲۷) و این تعابیر را در هیچ جای دیگر کتابش برای هیچ یک از اعلام شیعه استفاده نکرده (نک.: همان: ۴۴۴، ۴۴۹) و نیز به تبع آن، اهمیت کتاب فضل در نظر میرلوحی و از طرفی در دسترس بودن اثبات الرجعة نزد ایشان بوده است.

همان‌گونه که دقت در کمیت روایات منقول از فضل بن شاذان مؤیدی بر مدعای ما

در اخذ میرلوحی از *اثبات الرجعة فضل* است، دقت در کیفیت نقل چهل روایت اصلی در اربعین نیز می‌تواند ما را تا حدودی به این مطلب منتقل کند که *اثبات الرجعة فضل* در اختیار میرلوحی قرار داشته و او با اشراف کامل بر این کتاب، به فراخور نیاز، روایات مد نظرش را از آن برگرفته است. مثلاً میرلوحی وقتی روایتی را از صدوق می‌آورد، اگر از کتاب او نقل کرده باشد به کتابش اشاره می‌کند، چنان‌که در حدیث دوم آمده است: «قال الشيخ الصدوق ابو جعفر محمد بن علی بن الحسين بن موسى بن بابويه، رحمة الله عليه و علی والدیه، فی کتاب کمال الدین و تمام النعمه: حدثنا...» (همان: ۵۰۳).

در نقل روایات فضل نیز در اولین روایت اربعین که حدیث مطولی است و ظاهراً اولین حدیث کتاب *اثبات الرجعة* نیز بوده (آقابرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۱۰/۲۰) اخذ از کتاب فضل را با این عبارت بیان می‌کند: «قال الشيخ الكامل العادل العابد الزاهد المتكلم الخبير الفقيه النحرير النبيل الجليل ابو محمد الفضل بن شاذان بن الخليل - برد الله مضجعه و جعل فی الفردوس الى الائمة الطاهرين مرجعه- فی کتاب الموسوم ب *اثبات الرجعة*: حدثنا...» (همان: ۴۲۹). همچنین، میرلوحی خاتمه کتابش را نیز با حدیث مطول دیگری به نام «اشراط الساعة» از طریق فضل به پایان رسانده که این خود می‌تواند به عنوان قرینه‌ای مدعای ما را تأیید کند (همان: ۶۹۳).

نقل روایات پی‌درپی از فضل در کفایه را نیز می‌توان مؤید دیگری بر این مطلب دانست، چنان‌که بعد از نقل حدیث سی‌ونهم از فضل، ۱۹ روایت دیگر را از او نقل می‌کند که این تعداد بدون سه روایتی است که از *الارشاد* شیخ مفید از فضل نقل کرده است. نقل این روایات به گونه‌ای است که میرلوحی ابتدا روایتی را از فضل با تعبیر «قال ابن شاذان، رضوان الله عليه» نقل کرده و به دنبال آن با حذف نام فضل، روایات بعدی را با تعبیر «و قال» نقل کرده است که این خود می‌تواند دلیلی بر نقل از میراث مکتوب فضل بن شاذان تلقی شود.

۶. *اثبات الرجعة* به مثابه منبع روایات فضل بن شاذان در کتاب *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*

در *اثبات الهداة*، متعلق به قرن دوازدهم، نیز قراین متقنی وجود دارد که با تکیه بر آن قراین می‌توان اذعان کرد که حر عاملی نیز بخشی از *اثبات الرجعة فضل* را در اختیار

داشته و روایات فضل را بدون واسطه از آن نقل کرده است. اگرچه مختصری از آن نزد شیخ بوده و این رساله کم‌حجم را سید باسم موسوی در شماره ۱۵ مجله *تراثنا* با ۲۰ روایت تحت عنوان *مختصر اثبات الرجعة* منتشر کرده است. به این ترتیب ضمن اصالت و اعتبار یافتن *اثبات الرجعة فضل*، وجود تاریخی آن تا قرن دوازدهم نیز اثبات می‌شود.

۶. ۱. تأکید حر عاملی به موجود بودن کتابی در نزد او از فضل با موضوع رجعت حر عاملی در کتاب *هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام)* می‌گوید بسیاری از تألیفات دوره غیبت صغرا، نزد او موجود است. بخشی از این تألیفات، کتاب‌هایی است که وی ضمن اعتماد به آنها، اما به جهت مباحث فقهی اندکشان، در *هدایة* از آنها نقل نکرده است. از جمله این آثار، رساله‌ای از فضل، در موضوع رجعت بوده است (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۵۴۹/۸). در این بیان، حر عاملی صراحتاً می‌گوید کتابی از فضل نزد او موجود بوده و هرچند در *هدایة* روایتی از آن نمی‌آورد اما چنان‌که در قرینه بعد خواهد آمد، در *اثبات الهدایة* به نام کتاب اشاره کرده و روایاتی را نیز بدون واسطه از آن نقل می‌کند.

۶. ۲. تصریح حر عاملی به اخذ از کتاب *اثبات الرجعة*

حر عاملی در کتاب *اثبات الهدایة*، ۵۵ روایت را آورده که در اسناد آنها فضل حضور دارد. وی در نقل این اخبار رویه واحدی را دنبال نکرده است، به گونه‌ای که برخی از این روایات را بدون واسطه از فضل آورده و برخی را با واسطه منابع دیگر همچون *الغیبة* شیخ طوسی و *الغیبة* سید نیلی آورده است. در پنج موضع نیز که مد نظر ما است، حر عاملی با تعبیری همچون «و روی الثقة الصدوق الفضل بن شاذان فی کتاب *اثبات الرجعة*» تصریح می‌کند که این روایات را از کتاب *اثبات الرجعة* نقل کرده است (حر عاملی، ۱۴۲۵: ۸۹/۲، ۱۲۰، ۲۳۳، ۱۹۶/۵، ۳۲۸).

۶. ۳. نقل تمامی روایات *مختصر اثبات الرجعة* در *کفایة المهتدی*

چنان‌که در جای خود ثابت شد، میرلوحی کتاب *اثبات الرجعة* را در اختیار داشته و روایات فضل را بدون واسطه از آن نقل کرده است. مقایسه روایات *مختصر اثبات الرجعة* با *کفایة المهتدی* روشن می‌کند که تمام روایات حر عاملی (به جز روایت ۱۸)

عیناً با همان کیفیت سندی و متنی در کفایه نقل شده تا جایی که روایت اول هر دو منبع نیز یکسان است. از آنجا که حر عاملی روایات را منقول از رساله فضل دانسته و تصریحی بر اخذ روایات مختصر اثبات الرجعة از کفایة المہتدی ندارد، این میزان همسانی روایات در دو منبع مختلف، حکایت از یک مصدر مشترک (اثبات الرجعة) برای روایات آنها دارد.

۷. مصادر روایات فضل بن شاذان در کشف الحق او الاربعون خاتون آبادی

میر محمدصادق خاتون آبادی نیز در بخش اول کشف الحق، متعلق به قرن سیزدهم، ۳۱ روایت از روایات فضل بن شاذان را آورده است. از آنجا که خاتون آبادی بسیاری از این روایات را مستقیم و بی واسطه از فضل آورده، این فرضیه مطرح می شود که او نیز همچون میرلوحی اثبات الرجعة را در اختیار داشته و روایات فضل را از کتاب او نقل کرده است. با بررسی کیفیت نقل این روایات در کشف الحق، آشکار شد که اگرچه خاتون آبادی بسیاری از روایات را مستقیماً از فضل بن شاذان آورده اما به کتاب اثبات الرجعة دسترسی نداشته، بلکه این روایات را به واسطه کفایة المہتدی میرلوحی نقل کرده، هرچند در هیچ جای کتابش اشاره ای به این منبع نداشته است. از جمله قراین مؤید مدعای ما عبارت است از:

- نقل ۳۱ روایت منقول از فضل بن شاذان در کشف الحق با همان کیفیت

سندی و متنی در کفایة المہتدی (نک: خاتون آبادی، ۱۴۲۶: ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۶۰).

- کیفیت کاربست نام فضل بن شاذان در ابتدای روایات او در کشف

الحق، همسان با کیفیت کاربست نام فضل بن شاذان در کفایة المہتدی (میرلوحی، ۱۴۲۶: ۵۳۵؛ خاتون آبادی، ۱۴۲۶: ۲۰).

- استفاده خاتون آبادی از جملات میرلوحی در ضمن نقل روایاتش در

کشف الحق (میرلوحی، ۱۴۲۶: ۴۴۳-۴۴۴؛ خاتون آبادی، ۱۴۲۶: ۱۳۳).

- همسانی در ترتیب نقل روایات در دو کتاب کفایة المہتدی و کشف

الحق (میرلوحی، ۱۴۲۶: ۴۳۳-۴۴۷؛ خاتون آبادی، ۱۴۲۶: ۱۳۳-۱۳۶).

۸. ماهیت سه کتاب القائم، الغیبة للحجة و الحجة من ابطاء القائم منتسب به فضل

بن شاذان

مسئله دیگری که در اینجا باید بدان پرداخته شود ارتباط کتاب اثبات الرجعة با سایر آثار مهدوی فضل است. در بررسی آثار متأخر از فضل و روایات او در موضوع امام مهدی علیه السلام، از سه کتاب الرجعة، الملاحم و حذو النعل بالنعل اثری به دست ما نرسیده است تا بتوان بر مبنای آن، درباره سه کتاب مذکور و ارتباطشان با اثبات الرجعة داوری کرد؛ اما از کتاب القائم او اشاره محدودی به دست آمد که با این اشاره روشن شد کتاب القائم فضل هویتی غیر از کتاب اثبات الرجعة داشته است.

نام کتاب القائم به واسطه نقل نجاشی در شمار تألیفات فضل قلمداد شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۷). اگرچه اصل این کتاب امروزه به دست ما نرسیده، اما آثاری هرچند مختصر از این کتاب به واسطه کتاب المحتضر شیخ حسن بن سلیمان حلی (متوفای ۸۰۲ ه.ق.) به این کتاب وجود خارجی داده و حلی دو روایت از آن را در کتابش نقل کرده است: «و ذکر الفضل بن شاذان فی کتاب القائم ایضاً قال حدثنا محمد بن اسماعیل عن محمد بن سنان عن عمار بن مروان عن زید الشحام عن ابی عبد الله علیه السلام قال ان ارواح المؤمنین تری آل محمد علیهم السلام» (حلی، ۱۴۲۴: ۲۰)؛ «و روی الفضل بن شاذان فی کتاب القائم عن سعد بن طریف عن الاصبغ بن نباته فی حدیث طویل یذکر فیه ان امیر المؤمنین صلوات الله علیه خرج من الکوفة» (همان: ۱۸).

روایت اول را کلینی با سند «مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَنَانَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَمَّنْ سَمِعَ» از امام صادق علیه السلام آورده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۲/۳). سید عبدالحمید نیلی نجفی نیز این روایت را در ضمن روایتی مطولتر با طریق «و من ذلک یرفعه الی عبد الحمید بن سعید» از امام صادق علیه السلام نقل کرده است (نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۹۵/۱). مجلسی نیز این روایت را از طریق حلی و نیز از کافی کلینی نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۸/۲۷). روایت دوم را نیز نیلی نجفی (استاد حلی)، در کتابش، سرور/اهل ایمان، مرفوعاً از اصبغ بن نباته نقل کرده (نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۱۱۶/۱) و به جز ایشان، در منابع متقدم، عین روایت را کسی نقل نکرده است. مجلسی نیز آن را در بحار از المحتضر ابن حلی و از الغیبة سید نیلی نجفی آورده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۲۷ و ۲۳۴/۹۷).

اگرچه این دو روایت حلی از کتاب القائم، تنها اشارات کتب روایی شیعه به این

کتاب است و اطلاعات تفصیلی درباره کتاب *القائم* فضل بن شاذان به دست نمی‌دهد، اما حداقل وجود این کتاب تا زمان ابن حلی با اعتماد به بیان او ثابت می‌شود. از سوی دیگر، با دقت در دو روایت منقول از این کتاب، محرز می‌شود که بخشی از کتاب *القائم* درباره موضوعات مرتبط به مؤمنانی است که قبل از ظهور از دنیا رفته‌اند و امام مهدی (علیه السلام) بعد از ظهور، توجه خاصی به ایشان مبذول می‌دارد.

درباره *الغیبه* فضل، فهرس شیعی مشخصاً نامی از کتاب *الغیبه*، که در زمره تألیفات فضل باشد، نبرده‌اند. در منابع متقدم روایات شیعی نیز که منقولات فضل در موضوع امام مهدی (علیه السلام) را آورده‌اند نامی از *الغیبه* فضل مطرح نیست. این عنوان فقط در آثار بزرگانی چون آقابزرگ تهرانی در *الذریعة* (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۷۸/۱۶) و محدث نوری در *مستدرک الوسائل و النجم الثاقب* به فضل بن شاذان نسبت داده شده است (نوری، ۱۴۰۸: ۲۸۷/۳؛ همو، ۱۳۸۴: ۳۸/۱). در تبیین ماهیت این کتاب آقابزرگ تهرانی دو بیان را مطرح می‌کند. وی ذیل معرفی کتاب *الاربعون حدیثا* می‌گوید:

فی أحوال المهدي (علیه السلام) الموسوم بكفاية المهدي للسيد مير محمد بن محمد لوحی الملقب بالمطهر والمشهور بالنقیبی الحسینی الموسوی السبزواری الاصفهانی المعاصر للعلامة المجلسی و هو فی أحوال الحجة و أخبار الرجعة استخراج من كتاب الغیبة للفضل بن شاذان بن الخلیل النیسابوری المتوفی سنة ۲۶۰ (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۴۲۷/۱).

در این بیان آقابزرگ تهرانی صراحتاً کتابی را که منبع منقولات فضل بن شاذان در *کفاية المهدي* میرلوحی است کتاب *الغیبه* فضل قلمداد می‌کند. در بخش دیگری آقابزرگ تهرانی با معرفی کتاب *الرجعة و أحادیثها* فضل می‌گوید:

للفضل بن شاذان بن الخلیل، أبی محمد الأزدي النیشابوری المتوفی (۲۶۰) و هو غیر إثبات الرجعة له أيضا و هذا هو الذي يعبر عنه بكتاب الغیبة كما يأتي بتصريح النجاشی و كان عند الميرلوحی الأصفهانی علی ما ينقل عنه فی كتابه الأربعين الموسوم كفاية المهدي (همان: ۴۶۲/۱۰).

آقابزرگ تهرانی با این بیان دو مطلب برای ما مطرح می‌کند: ۱. منبع روایات فضل که محدث نوری در خاتمه *مستدرک و النجم الثاقب* از آن تحت عنوان *الغیبه* بهره برده همان منبعی است که نزد میرلوحی بوده است؛ ۲. این منبع غیر از *اثبات الرجعة* است؛

یعنی آنچه میرلوحی به عنوان منبع روایات فضل از آن بهره برده و به کتاب الغیبه مشهور است اثبات الرجعة نیست، بلکه الرجعة و احادیثها است. حال آنکه در جای خود با قراین متعدد ثابت شد که آنچه نزد میرلوحی بوده کتاب اثبات الرجعة فضل است و میرلوحی روایات فضل را از این کتاب در کفایة نقل کرده است.

افزون بر این کتب، محدث نوری در النجم الثاقب، کتاب الحجة من ابطاء القائم را نیز در زمره تألیفات فضل برشمرده است (نوری، ۱۳۸۴: ۳۸/۱)، حال آنکه در فهراس شیعی چنین کتابی به فضل نسبت داده نشده است. آقابزرگ تهرانی می‌گوید این عنوان احتمالاً همان کتاب القائم است که محدث نوری از آن تحت عنوان الحجة من ابطاء القائم یاد کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۵۵/۶).

نتیجه

با واکاوی آثار دانشمندان متأخر از فضل بن شاذان و تحقیق روایات منقول از فضل در آنها به دست می‌آید که آنچه از میراث مکتوب فضل بن شاذان با موضوع امام مهدی (علیه السلام) در منابع متأخر از او به ما رسیده، بر هویت‌بخشی به کتاب اثبات الرجعة تأکید دارد. با بررسی این منابع تا حدودی از ماهیت و محتوای کتاب اثبات الرجعة فضل بن شاذان، که دانشمندان شیعی در تألیفاتشان از آن بهره گرفته‌اند، آگاهی یافته و اصالت و اعتبار تاریخی آن در قرون پنج، شش، هشت، یازده، دوازده و سیزده محرز می‌گردد. مطابق بررسی نگارنده، فقط در دو منبع اصلی نقل روایات فضل (الغیبة و کفایة المهدی) ۱۴۸ روایت از اثبات الرجعة آمده و نتیجتاً این احتمال نیز قابل طرح است که از میان آثار مهدوی فضل بن شاذان، کتاب اثبات الرجعة او از شهرت بیشتری در بین قداما برخوردار بوده، چراکه بیش از همه، این کتاب مصدر روایات مهدوی فضل در آثار متأخر از او بوده است. نیز شواهد متقنی در هویت‌بخشی به سایر کتب مهدوی فضل همچون الملاحم، حذو النعل بالنعل و الرجعة به دست نیامد (جز اشاره‌ای محدود به کتاب القائم)، چنان‌که آشکار شد الغیبة و الحجة فی ابطاء القائم نیز اصولاً فاقد هویت تاریخی بوده و در سایه دیگر آثار مهدوی فضل بن شاذان موجودیت یافته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. جمع‌آوری احادیث منقول از فضل در موضوع امام مهدی (علیه السلام) ذیل عنوان یکی از کتاب‌های او، بدون تحلیل دقیق علمی، پذیرفته نخواهد شد (چنان‌که نویسنده محترم گمان برده است)، چراکه برای فضل در کتب فهارس، حداقل پنج عنوان کتاب با موضوع امام مهدی (علیه السلام) فهرست شده است. از طرف دیگر، حتی اگر بخواهیم این مجموعه روایت را اثبات الرجعة فضل قلمداد کنیم، باز هم مقبول نخواهد بود. زیرا حتی اگر روایات فضل در موضوع امام مهدی (علیه السلام) را که به ما رسیده است در نظر آوریم، این مجموعه مختصر اثبات الرجعة تلقی می‌شود، چنان‌که ما در بررسی خود، فقط در دو کتاب الغیبة شیخ طوسی و کفایة میرلوحی، ۱۴۸ روایت را از طریق فضل به دست آوردیم.
۲. ظاهراً این رساله بخش کوچکی از اثبات الرجعة شامل بیست روایت است که نزد حر عاملی موجود بوده است، چنان‌که حر عاملی در پایان آن اذعان می‌دارد: «هذا ما وجدناه من رسالة اثبات الرجعة للفضل بن شاذان، بخط بعض فضلاء المحدثین، وقد قوبل باصله، حرره محمد الحر».
۳. این کتاب تحت عنوان چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان در سال ۱۴۱۵ به همت نشر حاذق منتشر شده است.
۴. برای اطلاع بیشتر نک: عمادی حائری، ۱۳۹۴.
۵. از جمله این قراین، مقایسه سندی و متنی این روایات با روایات همسان با آن در الغیبة شیخ طوسی است.
۶. این فرضیه در رساله دکتری نگارنده (مهدی فرخی) به شکل مبسوطی بررسی شده است.

منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳). *الذريعة الى تصانيف الشيعة*، بيروت: دار الاضواء.
- انصاری، حسن (۱۳۸۶). «هویت واقعی کتاب اثبات الرجعة منسوب به فضل بن شاذان»، در: www.ansari.kateban.com/post/
- بغدادی، اسماعیل (۱۹۵۱). *هدایة العارفين، اسماء المؤلفين و آثار المصنفين*، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیات مختاری، مهدی (۱۳۹۲). *خورشید شرق در سده سوم*، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام)*، مشهد: الطبعة الاولى.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵). *اثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*، بيروت: الطبعة الاولى.
- حلی، عز الدین (۱۴۲۴). *المختصر*، قم: المكتبة الحیدریة.
- خاتون آبادی، میرمحمد صادق (۱۴۲۶). *كشف الحق او الاربعون*، نجف: مركز الدراسات التخصصية فی الامام مهدی (عليه السلام).
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). *الغیبة (للطوسی): کتاب الغیبة للحجة*، قم: دار المعارف الإسلامية.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰). *فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول*، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
- عمادی حائری، سید محمد (۱۳۹۴). *بازسازی متون کهن حدیث شیعه*، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). *رجال الکشی: إختيار معرفة الرجال*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- محرمی، غلام حسن (۱۴۳۴). *اثبات الرجعة*، قم: دار المجتبی (عليه السلام).
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.
- موسوی، سید باسم (۱۴۰۹). «مختصر اثبات الرجعة»، *تراثنا*، ش ۱۵.
- مهدی پور، علی اکبر (۱۴۱۵). *چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان*، قم: حاذق.
- میرلوحی سبزواری، محمد بن محمد (۱۴۲۶). *کفایة المهتدي فی معرفة المهدي (عليه السلام)*، قم: دار التفسیر.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه نشر اسلامیه.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۸۴). *نجم الثاقب*، قم: مسجد مقدس جمکران.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام).
- نیلی نجفی، علی بن عبد الکریم بهاء الدین (۱۴۲۶). *سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان*، قم: دلیل ما.

References

- Aghabozorg Tehrani, Mohammad Hasan. 1983. *Al-Zariah ela Tasanif al-Shiah*, Beirut: Al-Azwa House. [in Arabic]
- Ansari, Hasan. 2007. "Howiyat Waghei Kitab Isbat al-Raja Attributed to Fazl ibn Shazan", in: www.ansari.kateban.com/post/
- Baghdadi, Esmail. 1951. *Hedyah al-Arefin, Asma al-Moallefin wa Athar al-Mosannefin (The Gift of the Mystics, the Names of the Authors and the Works of the Writers)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Bayat Mokhtari, Mahdi. 2013. *Khorshid Shargh dar Sadeh Sewwom (East Sun in the Third Century)*, Qom: Shiite Bibliographic Institute. [in Farsi]
- Emadi Haeri, Seyyed Mohammad. 2015. *Bazsazi Motun Kohan Hadith Shiah (Retrieval of Ancient Texts of Shiite Hadith)*, Qom: Cultural Institute of Hadith House. [in Farsi]
- Helli, Ezz al-Din. 2003. *Al-Mohtazar*, Qom: Al-Heydariyah Library. [in Arabic]
- Horr Ameli, Mohammad ibn Hasan. 1994. *Hedayah al-Ommah ela Ahkam al-Aemmah (Guidance of the Community to the Rulings of the Imams)*, Mashhad: First Edition. [in Arabic]
- Horr Ameli, Mohammad ibn Hasan. 2004. *Ethbat al-Hodat be al-Nosus wa al-Mojezat (Proof of Guidance with Texts and Miracles)*, Beirut: First Edition. [in Arabic]
- Kashi, Mohammad ibn Omar. 1989. *Rejal al-Kashi: Ekhtiyar Marefah al-Rejal*, Mashhad: Mashhad University Publishing Institute. [in Arabic]
- Khatunabadi, Mir Mohammad Sadegh. 2005. *Kashf al-Hagh aw al-Arbaun (Clarification of the Truth and the Forty)*, Najaf: Center for Specialized Studies on Imam Mahdi (AS). [in Arabic]
- Koleyni, Mohammad ibn Yaghub. 1987. *Al-Kafi*, Tehran: House of Islamic Books. [in Arabic]
- Mahdipur, Ali Akbar. 1995. *Chehel Hadith az Gheybat Fazl ibn Shazan*, Qom: Hazegh.
- Majlesi, Mohammad Bagher ibn Mohammad Taghi. 1983. *Behar al-Anwar (Oceans of the Lights)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Mirlohi Sabzewari, Mohammad ibn Mohammad. 2005. *Kefayah al-Mohtadi fi Marefah al-Mahdi (AS)*, Qom: Interpretation House. [in Arabic]

- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1993. *Al-Ershad fi Marefah Hojajollah ala al-Ebad (Guide to Knowing the Representatives of God over the People)*, Qom: The World Conference of the Sheikh Al-Mofid. [in Arabic]
- Moharrami, Gholam Hasan. 2013. *Isbat al-Raja (Proof of Second Coming)*, Qom: Al-Mojtaba House. [in Arabic]
- Musawi, Seyyed Basem. 1989. "Mokhtasar Isbat al-Raja", *Our Heritage*, no. 15. [in Arabic]
- Najjashi, Ahmad ibn Ali. 1986. *Rejal al-Najjashi*, Qom: Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Nili Najafi, Ali ibn Abd al-Karim Baha al-Din. 2005. *Sorur Ahl Iman fi Alamat Zohur Saheb al-Zaman (The Joy of the People of Faith in the Signs of the Appearance of the Master the Era)*, Qom: Dalil Ma. [in Arabic]
- Nuri, Hoseyn ibn Mohammad Taghi. 1988. *Mostadrak al-Wasa'el wa Mostanbat al-Masa'el*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute. [in Arabic]
- Nuri, Hoseyn ibn Mohammad Taghi. 2005. *Najm al-Thagheb*, Qom: Jamkaran Holy Mosque.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1970. *Elam al-Wara be Alam al-Hoda*, Tehran: Eslamiyeh. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn al-Hasan. 1991. *Al-Ghaybah (lel Tusi): Ketab al-Ghaybah lel Hojjah*, Qom: Islamic Teachings House. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 2000. *Fehrest Kotob al-Shiah wa Osulehem wa Asma al-Mosannefin wa Ashab al-Osul (List of Shiite Books and Their Volumes and the Names of the Authors and the Writers of the Volumes)*, Qom: Researcher Tabatabai Library. [in Arabic]